

توضیحات:

- ۴۲ نکته مهم و کلیدی
- ویژه آزمون آموزش و پرورش
- دبیری فرهنگ و هنر
- حیطة تخصصی

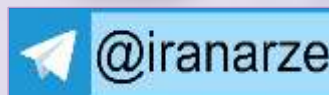
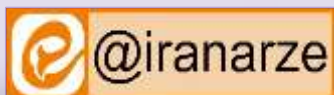
نکات مهم کتاب

نقاشی ایرانی از دیرباز تا امروز

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی دبیری فرهنگ و هنر، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار استخدامی آموزش و پرورش، اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»



نکات مهم نقاشی ایرانی از دیرباز تا امروز

- ۱- تصویر ایران از روزگار پیشاتاریخی آغاز شد. روند چند هزار ساله هم آمیزی سنت های تصویری آسیای غربی نهایتا در الگوی ایرانی عصر هخامنشی تبلور یافت. این الگو طی چند قرن زیر موج یونانی مآبی پوشیده ماند، اما در زمان ساسانیان از نورخ نمود و در شرایط اجتماعی و فرهنگی این عصر ویژگی هایی جدید کسب کرد.
- ۲- در این میان، پارتیان با رویکرد به سنتهای کهن تر ایرانی و شرقی شخصیت خویش را در هنری تلفیقی ظاهر ساختند. از سوی دیگر، آسیای میانه از هم آمیزی سنت های ایرانی و هندی و چینی الگوهای خاص خود را آفرید. میراث ساسانی و آسیای میانه به دوره اسلامی رسید و بر جریان هنر تصویری ایران تا زمان سلجوقیان تأثیر قاطع گذاشت. استیلای مغولان بر ایران نقطه پایان این روند بود.
- ۳- تاکنون در نواحی مختلف نجد ایران آثاری پراکنده مشتمل بر تندیسک های گلی، صخره نگاره ها، سفالینه های منقوش، و مهرهای محکوک شناخته شده اند که ما را تا حدی با زندگی مادی و معنوی ساکنان این خطه در اعصار قبل از تاریخ آشنا می کنند.
- ۴- نخستین قومی که در نجد ایران هویت تاریخی یافتند، اعلامیه ها بودند که آنها نیز شمار آثار تصویری از جمله نقش برجسته صخره ایی از خود بر جای گذاشته اند. این دست آفریده های کهن را با صفت کلی «ایرانی» مشخص و متمایز می کنند، حال آنکه در واقع پیش از آغاز فرهنگ و تمدن آریایی در این سرزمین پدید آمده اند.
- ۵- پژوهندگان معمولا مبدا «هنر ایرانی» را به دوران نوسنگی (هزاره هفتم ق. م) ربط می دهند، ولی بر اساس کشفیات و اطلاعات دقیق تر شاید بتوان سرآغازی قدیم تر برای این هنر قابل شد. معلومات موجود به ما امکان می دهند که سرچشمه های نقاشی ایران را در گذشته های بسیار دور جستجو کنیم.
- ۶- صخره نگاره های منطقه کوهدهشت لرستان، که صحنه های رزم و شکار تیروکمان و حیواناتی چون اسب، گوزن، بز کوهی و سگ را نشان می دهند، از جمله قدیم ترین آثار تصویری یافته شده در ایران به شمار می آیند. بیشتر این نقاشی ها به شیوه ای ساده و ابتدایی و با رنگه ای قرمز اخراپی، سیاه و یا زرد بر روی دیواره غارها کشیده شده اند.
- ۷- جلوه های بارزتر هنر تصویری کهن ایران را بر روی سفالینه هایی می یابیم که از تپه سیلک (کاشان)، تپه حصار (دامغان) و یا کاوشگاه های دیگر به دست آمده اند. این کاوشگاه ها در اصل محل سکونت مردمانی بود که کشاورزی می کردند و در فن سفالگری مهارت کافی داشتند. آنها ظروف سفالین نخودی یا صورتی را با شکلهای کژنمای انسانی و صور ساده شده حیوانی و نقوش هندسی به رنگهای سرخ و قهوه ای و سیاه می آراستند.
- ۸- در عصر مس و سنگ (حدود ۳۵۰۰ ق. م)، این گونه سفالینه نگاری در شوش به اوج کمال و ظرافت رسیده بود. در این زمان، خطوط و شکل ها را به قاعده و با سنجیدگی به کار می بردند، و طرح را چنان سامان می دادند که با صورت کلی سفالینه هماهنگی کامل داشته باشد. بی شک، جنبه تزئینی طرح از اهمیتی خاص برخوردار بود، ولی احتمالا معنای آن برای سازنده و مصرف کننده طرف بیشتر اهمیت داشت.
- ۹- به قول آرثر پوپ سفالینه منقوش را باید چون نخستین کتاب بشر تلقی کرد، زیرا که طرح و نقش این ظرف ها «بیان بیم ها و امیدها، و علایمی برای استعانت از قوای طبیعی در مبارزه دایم وحشتناک حیات است».
- ۱۰- در آن روزگار، جانوران شاخ دار مظهر نیروی باروری محسوب می شدند، و بی سبب نیست که نقش آنها را بارها بر روی سفالینه ها می بینیم. اما برای آنکه شکل حیوان به یک نماد گویا تبدیل شود، می بایست مشخصاتی عام و دلالت گر کسب کند. سفالینه نگار به خوبی از عهده این کار بر می آمد. نقش مشهور بز کوهی - که با مهارت بسیار از چند شکل و خط ساده هندسی تشکیل یافته - مثالی شاخص در این مورد است.
- ۱۱- سبک درباری: نخستین بار در سده نهم قبل از میلاد است که دو قوم آریایی ماد و پارس مطرح می شوند. حضور پیروزمندانه اینان در عرصه کشمکش های این منطقه فصلی تازه را در تاریخ ایران می گشاید. سرانجام، پارسیان با رهبری کورش سرنوشت سیاسی و فرهنگی آینده را رقم می زنند. کورش با تاسیس امپراتوری هخامنشی (۵۵۰ ق. م)، نه فقط بر سرزمین ها و اقوام مختلف تسلط یافت، بلکه مجموعه ای از سنتهای هنری زمان خویش را به ارث برد. کوشش هایی که تحت حمایت او برای تلفیق این سنتها آغاز شد، به تشکیل هنر درباری هخامنشی انجامید.

۱۲- بدین سان، سبک هخامنشی معرف نخستین سبک رسمی منسجم در جهان ایرانی بود. این سبکی کاملاً مناسب برای بیان عظمت و اقتدار شاه بود که به طرز بارز در معماری و مجسمه سازی تخت جمشید رخ نمود.

۱۳- با این حال، خصوصیات هنر تصویری هخامنشی را در نقش برجسته های دیواری بهتر می توان شناخت. یک گروه از نقش برجسته ها به صورت آجرهای لعابدار و در رنگهای کبود و زرد و سفید و سیاه ساخته شده اند. نقش مایه ها عمدتاً عبارتند از: نگهبان نیزه دار، شیر و حیوانات مختلط. بدن نگهبانان از پهلو و چشمشان از روبرو نشان داده شده است، و جامه و تیردان آنها با خطوط و نقوش ساده شکل گرفته اند.

۱۴- بدون شک، اسلوب کار و برخی مضمون ها از بین النهرین اقتباس شده، که در اینجا با اعتقادات و سلیقه هخامنشیان مطابقت یافته است. نمونه نقش برجسته های گروه دوم را بر دیوارهای سنگی تخت جمشید می بینیم که مشتمل اند بر صف طویل فرستادگان ملت های خراج گزار، تشریفات درباری، شاه در حال نیایش برای ملت خویش، و جانوران درگیر با یکدیگر و یا در آرامش.

۱۵- در کل صحنه ها و در هر پیکر نوعی آرامش و وقار حاکم است، و برخلاف برخی نقش برجسته های آشوری، در اینجا از وحشت و خشونت نشانی نیست. این نقش برجسته ها، علاوه بر محتوای مذهبی خاص، به سبب ویژگی های سبک شناختی حایز اهمیت اند. با اینکه شکل و ساختار آنها اساساً بین النهرینی است و تأثیرات مصر و یونان در برخی اجزاء باز شناختنی است، در اینجا با یک سبک منسجم و کامل مواجه هستیم

۱۶- در ترکیب بندی ها ریتم، تقارن و نظم دقیق تر از آثار آشوری و مصری دیده می شود، و حفظ تناسب و هماهنگی نقوش قابل مقایسه با آثار یونانی است. اما در عوض، طبق سنت شرقی کوششی برای بیان حالت اشخاص و تجسم بعد سوم در آنها مشهود نیست. در واقع، نقش برجسته های تخت جمشید تکوین موفقیت آمیز یک سبک رسمی و درباری در آسیای غربی را نشان می دهند، سبکی که تا پایان امپراتوری هخامنشی از انسجام کافی برخوردار بود.

۱۷- برخورد شرق با غرب: اسکندر مقدونی با لشکرکشی به سوی شرق بر تمامی سرزمینهای تابع دولت هخامنشی دست یافت و این دولت را برانداخت (۳۳۰ ق. م). او سپس تا کنار رود سیحون (آمودریا) پیش رفت و از آنجا به هند تاخت. شاید اسکندر فکر تلفیق تمدن های ایرانی و یونانی را در سر داشت، اما مرگ نابهنگام به او مجال نداد که این فکر را تحقق بخشد. سرداران اسکندر متصرفات وسیع او را میان خود تقسیم کردند. ایران و سرزمین های خاوری به دست سلوکوس، سرسلسله سلوکیان افتاد.

۱۸- نخستین فرمانروایان سلوکی بسیار کوشیدند تا در قلمرو خویش وحدتی نظیر امپراتوری هخامنشی به وجود آورند. آنها برنامه وسیعی را برای اسکان مهاجران یونانی و مقدونی به اجرا گذاشتند و اسکندریه ها و شهرهای دیگری چون انطاکیه در سوریه و سلوکیه در عراق بنا کردند. اما قدرت سلوکیان بیشتر در بخش های مرکزی و غربی امپراتوری تمرکز یافت، زیرا نواحی شرقی همواره زیر فشار قبایل بیابانگرد قرار داشت.

۱۹- آثار هنری به دست آمده از این نواحی عموماً نشان از تاثیر غربی دارند. مثلاً جامهای شاخگون (تکوک) و مجسمه های مرمرین کشف شده در نسا، که احتمالاً به اوایل دوره پارتها متعلق اند. تمام رخ نمایی، خشکی و صلابت پیکرها، آذینگری و پرداختن به جزئیات در جامه و جواهرات از ویژگی های هنر پارتی به شمار می آیند. گچبری رنگی و نقاشی دیواری از هنرهای رایج در عصر اشکانی بودند. هرتسفلد باستان شناس آلمانی بقایای چنددیوارنگاره را در ویرانه های کاخ کوه خواجه (سیستان) کشف کرد و آنها را متعلق به سده اول میلادی دانست. دیوار نگاره ای موسوم به میترا در نخجیرگاه در کاوشهای شهر باستانی دورا-اروپوس (سوریه) پیدا شده که بسیار شرقی تر از نقاشی های کوه خواجه است.

۲۰- دستاوردهای خاوری: جاده بزرگ ابریشم از دیرباز مهم ترین راه تجاری و ارتباطی میان شرق و غرب بود. به سبب تردد بسیار در جاده ابریشم و تاثیر متقابل فرهنگ های ایرانی، سکایی، یونانی - رومی، هندی و چینی شکوفایی فرهنگی شگفت انگیزی در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ رخ نمود. این فرهنگ از چنان قوت و عظمتی برخوردار بود که توانست حتی تا زمان یورش مغولان تاب آورد و در خلال این مدت ادبیات و هنرهای دوره اسلامی را تغذیه کند (به یاد آوریم که شاهنامه فردوسی پیوندی ژرف با این فرهنگ داشت). آثار کشف شده در این نواحی (خصوصاً نقاشی های سعیدی و مانوی) مدارکی با اهمیت برای مطالعه این مقطع از تاریخ نقاشی ایران به شمار می آیند.

۲۱- در دوران پیشاسلامی نواحی بخارا و سمرقند به نام شغد (سغدیانان) خوانده می شد. از سده پنجم تا ربع اول سده هشتم میلادی، مقارن با دوران فعالیت بازرگانان سعیدی در نقش واسطه های اصلی تجارت در مسیر جاده ابریشم، شکوفایی هنری بی سابقه ای در این نواحی پدید آمد. در آن زمان، دیوار نگاری در معابد، کاخها و خانه های سغدیان رواج

بسیار یافت، که بقایای آن در افراسیاب (سمرقند)، و رخشا نزدیک بخارا، و خصوصا در پنجیکنت در حوالی سمرقند کشف شده است، پنجیکنت در طی چند قرن مهم ترین مرکز تجاری و سوق الجیشی سغدیان بود، و سرانجام به دست اعراب مسلمان سقوط کرد (حدود ۱۵۰ هجری قمری).

۲۲- نقاشی سغدی از تنوع قابل ملاحظه ای برخوردار بود. می توان فرض کرد که سنت اولیه نقاشی سغدی بر میثاق هایی که قبلا در هنرهای کوشانیان، پارتیان و خوارزمیان شکل گرفته بود استوار شد. خدایان کهن ایرانی و بین النهرینی در انگاره سازی مذهبی سغدی مشخصاتی ویژه یافتند (مثلا: الاهه ننا، که سابقه ای دیرین در بین النهرین داشت، تحت تأثیر هنر هندی به صورت زنی دارای چهار بازو درآمد). دگرگونی زمانه و پیدایش خواست های جدید در جامعه مرفه شهری تدریجا تغییراتی را در معیارهای سبکی و مضمونی به وجود آورد. اگر در دیوار نگاره های اولیه تناسبات نسبتا طبیعی و اندکی برجسته نمایی در پیکرها دیده می شود، در نقاشیهای متاخر رویکرد به شیوه خطی و دو بعدی، معیارهای جدید تناسب و زیبایی، و نیز اهمیت مضمون های دنیوی را ملاحظه می کنیم. جلوه های شاخص این تحول را در تصویرگری موضوع های حماسی، تاریخی و روزمره در اقامتگاه های خصوصی پنجیکنت می توان یافت. مشخصه دیوارنگری مذهبی سغدی ترکیب بندی های بسته و متقارن است.

۲۳- استمرار سنت ها: ارکان پوسیده حکومت ساسانی یکباره به دست اعراب مسلمان فروریخت. اما فرهنگ کهن ایرانی نه فقط با شکست ساسانیان از میان نرفت بلکه به نیروی معنوی اسلام دوران بالندگی نوینی را آغاز کرد. چنین بود که سنت های هنری پیشین در ایران اسلامی ادامه یافتند و نتایج تازه و گوناگونی را پدید آوردند. ایران خاوری - خاستگاه ادبیات فارسی دری - سرنوشت نقاشی ایرانی را رقم زد. فردوسی از این خطه برخاست و شاهنامه او که عصاره فرهنگ گذشته را در خود داشت، هم مایه اصلی نقاشی قرون بعد را فراهم کرد و هم عاملی برای بقای سنت ها شد.

۲۴- استیلای مغول بر ایران نقطه عطفی در تاریخ نقاشی این سرزمین بود. از اواخر سده هفتم هجری، فرآیند دیگری از اقتباس ها و ابداعات آغاز شد. هنر نگارگری در سده های هشتم تا دهم مدارج کمال را پیمود، و سرانجام در سده یازدهم از پیوندگی بازمند. در خلال این چهار قرن مغولان (ایلخانان و جلایریان)، اینجویان، مظفریان، تیموریان، ترکمنان (قره قویونلو و آق قویونلو)، ازبکان و صفویان بر بخشهایی از ایران بزرگ و یا در سراسر سرزمین فرمان راندند، و در کارگاه های سلطنتی آنان بود که نقاشان عمدتا به کار تصویر کردن کتب گماشته شدند. با رواج کتاب نگاری در دربارها محدودیتی در کارکرد اجتماعی نقاشی پدید آمد، اما در عوض، عرصه مضامین و بیان هنری وسعت بیشتری یافت. به گزاف نیست اگر بگوییم که نگارگری این دوران به سبب پیوندش با شعر فارسی چنین شکوفان شد.

۲۵- حکومت ایلخانان دو نتیجه مهم برای نقاشی ایران داشت:

- یکی انتقال سنتهای هنر چینی به ایران که منبع الهام تازه برای نگارگران شد.

- و دیگری بنیانگذاری نوعی هنرپروری که سنت کار گروهی هنرمندان در کتابخانه - کارگاه سلطنتی را پدید آورد.

۲۶- قدیم ترین نسخه مصور بر جای مانده از عهد ایلخانی ترجمه فارسی منافع الحيوان ابن بختیشوع است به دستور غازان خان در مراغه تدوین شد (۶۸۹ ه ق). در همین زمان، خواجه رشید الدین فضل الله همدانی (وزیر غازان و الجایتو)، شهرکی به نام ربع رشیدی با ساختمانهای زیبا و کارگاه های منظم در نزدیک تبریز بنا کرد و محققان و هنرمندان ایرانی و خارجی را در آنجا گرد آورد. انگیزه اصلی این اقدام تألیف کتابی مصور درباره سرگذشت ملل مختلف و از جمله مغولان بود.

۲۷- گوناگونی شیوه ها: از اواخر سده هشتم یورش تیمور گورکانی از سمت شمال شرقی آغاز شد و دیری نگذشت که سراسر ایران به زیر فرمان او درآمد. امیر تیمور سمرقند را به پایتختی خود برگزید و آن را به شهری آباد و زیبا بدل کرد. پس از تصرف تبریز و بغداد، دو بار هنرمندان دربار جلایر را به سمرقند کوچانید.

خواجه عبدالحی در میان اینان بود که به نوشته دوست محمد «بعد از وفات خواجه، همه استادان تتبع کارهای ایشان کردند». گویا، در پایتخت تیمور دیوارنگاری کاخ ها به شیوه ای همانند با نگارگری رواج داشته، لیکن نمونه ای مستند از آثار تصویری زمان او بر جای نمانده است. فقط می توان حدس زد که نقاشی دربار تیمور کمابیش از سنتهای آسیای میانه تأثیر پذیرفته بود. چندی پس از مرگ امیر تیمور (۸۰۷ ه ق)، پسر و جانشین او به نام شاهرخ هرات را مرکز قلمرو خویش قرار و در آنجا به مدت چهل و دو سال فرمانروایی کرد.

۲۸- نو آوری در سنت: از زمانی که سلطان حسین بایقرا در هرات بر تخت نشست، شعر و موسیقی، نگارگری و دیوارنگاری، معماری و باغ سازی و انواع هنرهای دیگر رونقی تازه یافتند. هرات، در خلال ۳۸ سال پادشاهی حسین بایقرا، دوره دیگری از شکوفایی فرهنگی را تجربه کرد. شاه که خود در شعر طبع می آزمود، ادیبان و هنروران را بسیار ارج می

نهاد. اما بی شک، اعتلای فرهنگی این دوره مرهون شخصیت و اقدامات میر علی شیر نوایی (وزیر و خزانه دار سلطان) بود. او به ترکی و فارسی شعر می سرود، و گویا در نقاشی هم دست داشت.

۲۹- عبدالله بهاری در یک بررسی کارشناسانه مجموع آثار بهزاد را از لحاظ موضوع به چهار گروه تقسیم کرده است:

- 1- چهره ها یا رویدادهای واقعی و زنده
- 2- بازنمایی های وقایع تاریخی بر اساس گزارش معاصران و آمیخته با خیال پردازی
- 3- تصاویر مربوط به کتابها که خود دو دسته است: یک قطعات دارای داستان مشخص، و دوم قطعات عرفانی
- 4- نگاره های مستقل از متن

۳۰- اصفهان با سیمای شکوهمند، جمعیت زیاد، و رونق اقتصادی بی سابقه اش به مرکز تجمع بازرگانان، جهانگردان، سفیران سیاسی، مبلغان مذهبی، و هنرمندان خارجی بدل شده بود. در این شرایط بود که نقاشی ایران تاثیرات اروپایی را تجربه کرد. اثر پذیری از چند طریق صورت گرفت:

آثار هنری اروپایی وارد شده به ایران و تماس مستقیم با نقاشان اروپایی مقیم اصفهان، نقاشی ارمنیان ساکن جلفای نو، و آثار نقاشان مکتب گورکانی هند. بدین سان، دورانی جدید در تاریخ نقاشی ایران آغاز شد که تا اواخر سده سیزدهم هجری قمری ادامه یافت. در این دوران شاهد انواع الگوبرداری های ناقص از نقاشی طبیعت گرای اروپایی هستیم (اصطلاح «فرنگی سازی» در این مورد مصداق کامل دارد).

۳۱- تداوم فرنگی سازی: سبک محمد زمان توسط پسرش، محمدعلی، انسجام بیشتری پیدا کرد و تا پایان دوره فرمانروایی صفویان صورت قانونمند و رسمی به خود گرفت. لیکن، در جو ناآرام زمان نادرشاه (۱۱۴۸- ۱۱۶۰ هـ ق)، نقاشی درباری از تحول بازماند. اگرچه جریان فرنگی سازی به کندی ادامه یافت، کیفیت نسخه های خطی و نقاشی ها نسبت به سده یازدهم نازل تر شد. نسخه مصور تاریخ جهانگشای نادری (۱۱۷۱ هـ ق) از معدود آثار ممتاز این دوره به شمار می آید. در تصاویر این نسخه شیوه پیکرنگاری و ضوابط ترکیب بندی محمد زمان را می توان بازشناخت. از ویژگی های تصاویر مزبور این است که جنگهای نادرشاه و سایر وقایع مهم روزگار او را به طور مستند نشان می دهند. دو تک چهره رنگ روغنی نادرشاه نیز از آن سال ها بر جای مانده که سخت متأثر از چهره نگاری اروپایی اند.

۳۲- موضوع یکی از دیوارنگاره های الحاقی به تالار اصلی چهلستون جنگ بین سپاهیان ایران و هند در ناحیه کرنال است. از رقم صادق الوعد بر روی این دیوارنگاره میتوان پی برد که آن را محمد صادق نقاشی کرده است.

۳۳- بارزترین مشخصه تاریخ نقاشی سده دوازدهم رواج گیری گونه های تازه هنر تصویری است. بسیاری از نقاشان این دوره استعدادشان را عمدتاً در تزئین اشیایی چون قلمدان، قاب آئینه، جلد کتاب، صندوقچه جواهر، سینی و جز اینها به کار بردند. این نوع نقاشی که "زیرلاکی" نام گرفته است، از میانه سده یازدهم هجری متداول شد.

۳۴- در زمان فتحعلیشاه شرایط برای تجدید حیات هنر درباری مناسب بود. نخستین نقاشباشی دربار قاجار میرزا بابا نام داشت که از او چندین پرده روغنی و تصاویر یک دیوان اشعار فتحعلیشاه مربوط به سالهای اولیه سلطنت بر جای مانده اند. بهترین نقاشی میرزا بابا شمالی است از فتحعلیشاه با عمامه جقه دار و جامه و اسلحه گوهرنشان که جلوی پنجره ای بر روی یک قالیچه مرصع نشسته است.

۳۵- مکتب پیکر نگاری درباری که تا حد زیادی به فتح علی شاه وابسته بود، پس از مرگ او (۱۲۵۰ هـ ق)، به راه زوال رفت، و در زمان محمد شاه قاجار دوباره نوعی نابسامانی در نقاشی درباری بروز کرد. از سوی دیگر، در خارج از حوزه دربار، بازار انواع نقاشی رونق بسیار یافت. اواسط قرن، نجف علی (آقا نجف) در اصفهان توانست تحولی در نقاشی زیر لاک پیچید آورده.

۳۶- طبیعت نگاری در اوج: محمد غفاری، بر زمینه ای که مزین الدوله و دیگران ساخته بودند، توانست نوعی هنر آکادمیک را در دربار ناصرالدین شاه تثبیت کند. این هنری بود که در آکادمی های اروپا به عنوان میراث استادان رنسانس و بارک معرفی می شد، ولی تمامی ارزش ها و معیارهای طبیعتگرایی را به صنعت کاری استادانه تقلیل می داد. به راستی هم در سده نوزدهم فقط آنگونه نقاشی مورد قبول و تایید محافل رسمی اروپا قرار می گرفت که بتواند تصویری دقیق و عکس گونه از واقعیت عینی ارائه دهد. در این نوع طبیعت نگاری جایی برای تفسیر بیانگرانه از واقعیت وجود نداشت. محمد غفاری از همان ابتدا شیفته چنین هنری شد و به همین سبب نیز بیش از سایر معاصرانش در این جهت کوشید، گو اینکه همواره خود را پیرو استادانی چون رافائل و رمبرانت می دانست.

۳۷- با جنبش مشروطیت و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن فصل دیگری در تاریخ نقاشی ایران گشوده شد. موج تجدد خواهی برخاسته از مشروطیت ادبیات را سخت تکان داد. تحول در نقاشی نیز اجتناب ناپذیر بود. شاید کمال الملک در مقام واپسین نقاش برجسته دربار قاجار، بیش از سایر نقاشان آن زمان، فکر تجدد در سر داشت. او پس از سفر مطالعاتی در اروپا، مدرسه صنایع مستظرفه را با نیت اصلاح و ترقی نقاشی ایران بنیاد نهاد (۱۳۲۹ قمری / ۱۲۸۹ شمسی، برابر با ۱۹۱۱ میلادی). با تاسیس این مدرسه سنت دیرین هنر آموزی و فعالیت حرفه ای در کارگاه های درباری و غیر درباری منسوخ شد، ولی تغییر کیفی و اساسی در نقاشی ایران پدید نیامد (برخلاف دگرگونی عمیقی که در ادبیات رخ نمود). در واقع، مدرسه صنایع مستظرفه اقتباس ناقص از نظام غربی آموزش هنر را رسمیت بخشید. تداوم این روند را به شکل های تازه تر، سی سال بعد در هنرکده هنرهای زیبا، و بیست سال بعد از آن در هنرکده هنرهای تزئینی می توان دید.

۳۸- نقاشی آکادمیک: شیوه آکادمیک نقاشی دربار قاجار با اندکی تغییر (عمدتاً در موضوع ها) در عهد رضاشاه نیز ادامه یافت و سبک رسمی این دوره را شکل داد. فعالیت مدرسه صنایع مستظرفه ده سال قبل از کودتای رضاخان آغاز شده بود. در این مدرسه شماری نقاش و مجسمه ساز برخوردار از توانایی های فنی پرورش یافتند. بیشتر اینان، بعداً در کار هنری و تدریس هدف و روش کمال الملک را دنبال کردند. در این زمان، هنر آموختگان مدارس روسیه نیز در تبریز فعال بودند، ولی کار آموزشی و هنری شان چندان تفاوتی با کار کمال الملک نداشت.

۳۹- نگارگری جدید: تا اواخر دوره قاجار همچنان بسیاری از قلمدان نگاران مقیم پایتخت و شهرهای دیگر به کار نگارگری نیز می پرداختند. البته کارهای اینان چیزی بیش از رو نگاشت های خام دستانه از آثار مکتب اصفهان نبود. این وضع تا اوایل حکومت رضا شاه نیز ادامه داشت. در این زمان، بخشی از برنامه نوسازی فرهنگی به احیای هنرهای سنتی و صنایع دستی تخصیص یافت، و در نتیجه اقداماتی که در این جهت صورت گرفت، حرکتی تازه در زمینه نگارگری آغاز شد.

۴۰- نقاشی قهوه خانه: «نقاشی موسوم به «قهوه خانه»، برخلاف جریان های نقاشی آکادمیک و نگارگری جدید، خارج از حوزه هنر رسمی رشد کرد. این نوعی نقاشی روایی است که مقارن با جنبش مشروطیت بر اساس سنت های هنر مردمی و دینی و با اثرپذیری از طبیعت نگاری مرسوم آن زمان، به دست هنرمندانی مکتب ندیده پدید می آید و بارزترین جلوه هایش را در عصر پهلوی می نمایاند.

۴۱- نقاشی نوگرا: تقریباً ۷۰ سال پس از شروع جنبش مدرنیسم هنری در غرب، پژواک آن به ایران رسید این در شرایطی بود که نقاشان ایرانی همچنان از مکتبهای سنتی و منسوخ اروپایی و ایرانی مایه می گرفتند. گسترش دامنه جنگ جهانی دوم به ایران، رفتن رضا شاه، و برقراری مختصر آزادی های اجتماعی مجالی برای نوجویی هنری پدید آورد. «تغییر وضع سیاسی و دگرگونی جو فرهنگی توأم با آن که از ورود نیروهای متفکین [۱۳۲۰ هـ ش] ناشی شد، نمایانگر آغاز دوره ای جدید در نقاشی ایران بود. ایران ناگهان در معرض برخورد عقاید و ایدئولوژی های رنگارنگ قرار گرفت. روشنفکران با اشتیاق جویای راه های نو بودند، و با شوق بسیار به استقبال مفاهیم جدید می رفتند.

۴۲- نقاشی جدید از تجسم خشونت و درد و فغان نیز یکسره تهی نیست. نقاش نوپرداز ایرانی - همچون نگارگران قدیم - از بازنمایی واقعیت مرئی دوری می جوید، اما کمتر به روایت گری و توصیف ادبی می پردازد. او می کوشد به بیان تجسمی ناب دست یابد، و به همین سبب نیز اسلوب های مختلف را می آزمايد و در تجربیاتش از مواد گوناگون بهره می گیرد.

ایران عرضه

مرجع نمونه سوالات

آزمون های استخدامی

به همراه پاسخنامه تشریحی

خدمات ایران عرضه:

- ارائه اصل سوالات آزمون های استخدامی
- پاسخنامه های تشریحی سوالات
- جزوات و درسنامه های آموزشی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی دبیری فرهنگ و هنر، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار استخدامی آموزش و پرورش، اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»

